

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۹

صص ۵۵۹ - ۵۶۹

## نقش بسترهای اجتماعی در شکل‌گیری نهاد توبه و تأثیر سقوط کیفر با توبه بر سلامت جامعه

سید مطلب مطلبی<sup>۱</sup>، سید حسین‌هاشمی<sup>۲\*</sup>، شهرداد دارابی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲- استادیار دانشگاه مفید و استاد مدعو دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۳- استادیار حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

### چکیده

قانون مجازات جدید مبنای خود را در کیفر گذاری اصلاح و درمان نهاده و قلمرو توبه را به دلیل وجود بسترهای اجتماعی و آثار مخرب اجرای کیفرهای بدنی بر سلامت روانی جامعه گسترش داده. زیرا نه تنها فقها در اجرای مجازات حدی در زمان غیبت اختلاف دارند، بلکه عدم آگاهی مردم نسبت به ماهیت احکام کیفری و تأثیرات سوء اجرای حدود بر اقتصاد خانواده و وضعیت روحی روانی مرتکب و عموم افراد جامعه به دلالت یافته‌های علمی چون جامعه‌شناسی و روانشناسی غیرقابل انکار است. لذا جامعه محکوم‌علیه را قربانی شرایط خاص جامعه دانسته و مانع بازدارندگی عام مجازات می‌گردد. خاصه آن‌که نقصان جسمانی ناشی از اجرای حد بدنی موجب برچسب‌زنی دائمی و اشتهار سوء همیشگی در فرد و مانع تعامل جامعه با بزهکار و تقویت حس انتقام‌جویی و زمینه‌ساز تکرار جرم می‌گردد. درعین حال فشار روانی ناشی از جنبه ترهیبی کیفر بیش از آن‌که دارای اثر پیشگیری باشد آثار سوء بر سلامت روانی جامعه دارد.

**واژگان کلیدی:** توبه، سقوط مجازات، سلامت اجتماعی، حقوق بشر، جرائم تعزیری منصوص

## ۱- درآمد

قانون مجازات اسلامی در مورخ ۹۲/۲/۱ در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و مورد تأیید شورای نگهبان واقع شد و با طی مراحل قانونی از مورخ ۹۲/۳/۲۲ لازم‌الاجرا گردید. قانون مذکور جایگزین قانون مجازات سال ۱۳۷۰ شد که به‌طور آزمایشی به مدت ۵ سال تصویب و بنا بود پس از مبین و روشن شدن نواقص و کاستی‌ها به شکل دائمی درآید که نه‌تنها دائمی‌نگردید بلکه چندین مرتبه مدت آزمایشی آن تمدید شد و قانون سال ۹۲ نیز به تجویز اصل ۸۵ قانون اساسی توسط کمیسیون قضایی مجلس با وصف آزمایشی مورد تصویب قرار گرفت که نیاز دارد با سپری شدن مدت آزمایشی لایحه جدیدی برای دائمی شدن همین قانون یا قانون دیگری با رفع نقص و زدودن کاستی‌ها تهیه و تقدیم مجلس گردد و در حال قانون جدید شامل نکات مثبتی است هرچند که می‌بایست از جنبه‌های منفی و کاستی‌های آن و تلاش برای زدودن آن و مرتفع نمودن اشکالات نباید غافل شد هر چند این مهم تنها در گذر زمان میسر خواهد بود و باید زمان سپری شود تا ضعف و کاستی‌های خود را در عمل و اجرا نشان دهد؛ از جمله قسمت‌هایی که در قانون جدید نسبت به قانون سال ۷۰ تغییرات وسیع و گسترده‌ای پیدا کرده و از یک انسجام و هماهنگی برخوردار است فصل یازدهم از کتاب اول تحت عنوان سقوط مجازات‌ها است که عناوین جدید مانند توبه و قاعده درء به عنوان علل سقوط مجازات‌ها پیش‌بینی شده است. در این میان نهاد توبه تحولات گسترده‌تری پیدا نموده که جرائم حدی را که در اسلام از مجازات‌های لایتنجیر است و نیز جرائم تعزیری را شامل می‌شود و این مسئله ناشی از بسترها و زمینه‌هایی است که موجب شده تا مقنن را بر آن نماید تا توبه را به عنوان یکی از علل سقوط مجازات و تعقیب کیفری به صورت جامع و منسجم در قانون مجازات پیش‌بینی نماید تا موجب کاهش اختیارات قاضی در عدم اثبات و اجرای جرائم حدی گردد و در عمل سیاست شدت عمل در تشریح و تساهل و تسامح در اثبات جرائم را که از جمله سیاست‌های منحصر به فرد سیاست کیفری اسلام است را اجرایی سازد تا در عین توجه به آثار بازدارندگی کیفری سیاست رأفت اسلامی و عدم اصرار به اجرای کیفر و توجه به اثر غایی و نهایی کیفر را که همانا اصلاح و درمان است را به صورت نهادینه اجرایی سازد. بدون شک این اتفاق و نهادینه شدن توبه به شکلی منسجم و گسترده می‌تواند علل و بسترهای متعدد داشته باشد که یکی از آن‌ها اهتمام مقنن در اتخاذ تدبیری به منظور ارتقای سلامت اجتماعی از طریق کاهش فشار روانی موجود در جامعه در اثر ارباب ناشی از اجرای کیفرهای بدنی خصوصاً کیفری چون رجم می‌باشد؛ علی‌هذا در این مقال نگارندگان در پی پاسخ‌دهی به این پرسش می‌باشند که نقش و تأثیر علل و عوامل فرهنگی و چگونگی تأثیر آن در تحولات نهاد توبه چه بوده و سقوط کیفر در اثر توبه چه تأثیری بر سلامت اجتماعی داشته است و فرضیه پیش رو آن که؛ وجود بسترهای اجتماعی متعدد که ریشه در علل و عوامل فرهنگی و باورهای مردم دارد مقنن را ناگزیر نموده باهدف احتراز از وهن به احکام اسلامی و کمک به برقراری سلامت روانی افراد جامعه سیاست تساهل و تسامح در اجرای حدود را برخلاف سیاست شدت عمل و سختگیری در تشریح سرلوحه خود قرار دهد و به نهاد توبه نقشی پویا ببخشد. از این رو نخست نگاهی مختصر به مفاهیم کلیدی مرتبط به تحقیق داشته و در این رهگذر به تبیین مفهوم و جایگاه توبه در حقوق اسلامی پرداخته و سپس به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر و زمینه‌ساز در نهادینه نمودن نهاد توبه از ناحیه مقنن به نحو گسترده خواهیم پرداخت. از این رو نخست در رابطه با توجه به آثار اجتماعی احکام شرعی در حین قانونگذاری سپس به نقش و تأثیر علل و عوامل فرهنگی و خانوادگی و آثار و تبعات منفی و زیان‌بار اجرای حدود در جامعه و در پایان به علل و عوامل اقتصادی خواهیم پرداخت و در پایان ضمن بازگشت به پرسش و فرضیه پیش رو در این مقال به جمع‌بندی خواهیم پرداخت.

## ۲- مفهوم توبه و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران

توبه در لغت از ریشه «ت و ب» به معنای «رجع» و در فارسی معادل بازگشت از گناه است. (معجم مقابیس اللغة / ۳۵۷) در اصطلاح بازگشت و رجوع بنده از گناه و به سوی خداوند می‌باشد. (ر.ک. توبه / ۷۸) به تعبیری دیگر ندامت و پشیمانی از گناه که اعتراف و اعتذار را در پی دارد و مانع از بازگشت به اعمال مجرمانه و گناه می‌شود را توبه گویند. (دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام / ۱۰۹ / ۲) بنابراین در معنای

توبه ندامت و پشیمانی از ارتکاب گناه و عزم بر ترک گناه مشروط به آن‌که به سوی خداوند و فرامین الهی باشد نهفته است. البته آنچه از متون شرعی بر می‌آید آن است که ندامت و بازگشت به سوی خدا لازم است که همراه با تلاش بر جبران گذشته (اعم از حق الله و حق الناس) باشد. توبه در اصطلاح چنین تعریف شده: ترک گناهان کنونی و عزم بر ترکشان در آینده و تدارک تقصیر گذشته و به عبارتی بازگشت از گناه قولی، فعلی و فکری. (رسایل و مسایل / ۳۳۸) توبه در حقوق اسلامی بر مبنای قاعده‌ی «جب توبه» پذیرفته شده است. مفاد حدیث مربوطه عبارت است از؛ «التوبه تجب ما قبلها من الکفر والمعاصی والذنوب». فقهاء ارکان توبه را سه چیز می‌داند؛ الف) علم به اینکه در گذشته نافرمانی خدا را نموده است. ب) پشیمانی از آن عمل. پ) تصمیم بر ترک گناه در آینده و جبران گذشته. (انوار الفقاهه / ۲ / ۹۶) از اینرو توبه به معنای مطلق رجوع و بازگشت از گناه است صرف نظر از اینکه برای نخستین بار یا چندمین بار باشد (ملخص اللغه / ۱۴) بنابراین توبه فرایندی است که در اثر ندامت و پشیمانی از ارتکاب جرم و گناه، مرتکب تصمیم به ترک و عدم ارتکاب مجدد گناه (جرم) نموده و به سوی خداوند باز می‌گردد همراه با سعی و تلاش در جبران گذشته و آثار گناه. از این رو منظور از توبه پشیمانی از ارتکاب جرم و اعلام و اقرار به اشتباه و تعهد به عدم ارتکاب مجدد در آینده و تلاش در جبران خسارت زیان دیده می‌باشد. توبه در حقوق ایران متأثر از فقه اسلامی از اسباب معافیت از کیفر (معاذیر قانونی معافیت از مجازات) شناخته شده است و تنها شرط پذیرش توبه احراز ندامت و پشیمانی از گناه و توبه‌ی واقعی مرتکب در دادگاه قرار داده شده و مدعی توبه می‌بایست ادله‌ی خود را مبنی بر توبه پیش از اثبات جرم در دادگاه اقامه نماید و منظور از اثبات جرم نیز زمانی است که حکم قطعی بر ارتکاب جرم و محکومیت مرتکب صادر شده باشد و مادام که حکم قطعی نیافته است جرم ثابت نشده است (مستفاد از ماده‌ی ۱۱۸ ق.م.ا). همچنین اطلاق مقرره‌ی فوق مبنی بر پذیرش توبه در کلیه حدود برابر ماده‌ی ۱۱۶ مقید شده و حدود حق الناسی (حد قذف) با توبه ساقط نمی‌گردد همانگونه که توبه تأثیری در حق الناس نداشته و به قوت خود باقی است. بنابراین در صورتی که قراین و امارات و دلایل بر وقوع توبه دلالت نماید حد ساقط می‌گردد و سیاق عبارت مقنن مبنی بر «... برای قاضی محرز شود حد از او ساقط می‌گردد. ..» گویای آن است که با احراز توبه قاضی ناگزیر از صدور حکم به سقوط حد است؛ مگر اینکه قراین و دلایل ارائه شده نوعاً علم آور نباشد. بنابراین از نظر موازین فقهی برای رفع مجازات از متهم و تحقق توبه پشیمانی قلبی و اظهار استغفار زبانی کافی است مگر آن که یقین به کذب بودن آن باشد و از آنجا که قاعده «الحدود تدرأ بالشبهات» حاکم بر استصحاب عدم توبه است. [به دلیل اینکه ملاک در اجرای اصول عملیه عدم وجود دلیل در مقابل آنها می‌باشد و در اینجا دلیل موجود است] با اندک شک و تردیدی در وقوع توبه حد ساقط می‌گردد. (دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام / ۲ / ۱۲۲ و ۱۲۱) با عنایت به مقررات قانونی اثر توبه در حدود اسقاط کیفر و در تعزیرات تا درجه ۵ تخفیف در کیفر و در تعزیر درجه ۶ تا ۸ سقوط کیفر است و با عنایت به مفهوم تبصره‌ی ۲ ذیل ماده‌ی ۱۱۴ ق.م.ا. اساساً به واسطه‌ی توبه، مجازات صرف نظر از نوع آن حد یا تعزیر ساقط می‌گردد و با سقوط حد، تعزیر ثابت نمی‌گردد مگر اینکه جرم ارتکابی از نوع زنا و لواط به عنف یا اکراه یا با اغفال بزه‌دیده واقع شده باشد. هر چند که با توجه به اینکه مبنای سقوط کیفر بواسطه توبه اصلاح مرتکب است و هدف از اجرای کیفر تعزیری نیز «اصلاح مرتکب» است عدم سقوط کیفر بواسطه توبه در تعزیرات و پذیرش آن در غیر تعزیرات غیرقابل توجیه است. از این رو جواز اعمال تعزیر ولو با تخفیف برغم اصلاح مرتکب برخلاف فلسفه کیفر و عدالت جزایی است. به هر روی برابر قانون مجازات اسلامی حاضر توبه نقشی کلیدی در سیاست کیفری ایران ایفاء می‌نماید؛ تاجایی که با استناد به آن سنگین‌ترین کیفرها به سادگی و بدون آن که ضرورت داشته باشد جهت اعمال آن شرط یا شرایط خاصی احراز گردد ساقط می‌گردد.

### ۳- توجه به آثار اجتماعی احکام شرعی در حین قانونگذاری

در جامعه بشری کنونی قانون گذاری صحیح و ارزشمندانه در مباحث اقتصادی و سیاسی و فرهنگی می‌تواند تأثیر به‌سزایی داشته باشد به نحوی که قانونی کارآمد و پویا نه تنها در رشد و شکوفایی مسائل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی اثرگذار است بلکه در کاهش یا افزایش جرم و جنایت نیز می‌تواند نقش

آفرین باشد. چه بسا تدوین قوانین نامتناسب موجب فساد و نابودی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و یا ازدیاد جرم و جنایت و بزهکاری در جامعه شود گاهاً مشاهده می‌شود تصویب ناصواب قانونی که برابر آن مقرر می‌شود که عوارض یا مالیات مازاد بر کالایی اخذ شود در عمل سبب رشد قاچاق آن کالا می‌شود و یا تدوین قانون و مقرراتی سبب جرم‌زایی می‌گردد. از باب تمثیل ماده ۱۳۴ قانون مجازات مقرر می‌دارد در جرائم تعزیری هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از جرائم حداکثر مجازات مقرر را و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از یه جرم باشد مجازات هر یک بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به این که از حداکثر به اضافه نصف تجاوز نکند. در فرضی که شخصی مرتکب کلاهبرداری شده و با علم به اینکه حداکثر مجازات آن ۷ سال است عالماً و عامداً اقدام به جرم تخریب می‌نماید به لحاظ اینکه علم دارد مجازات دومی درباره او اجرا نخواهد شد. مشاهده می‌شود ماده مذکور قابلیت جرم‌زایی را داشته و مرتکب با علم به این قضیه اقدام به عمل مجرمانه دیگر می‌نماید و نیز با تشدید مجازات قانون قاچاق مواد مخدر سنتی، مصرف‌کنندگان با کمبود و گرانی آن و عدم تمکن و توانایی مالی نسبت به خرید مواد مخدر سنتی به سمت مواد مخدر صنعتی سوق پیدا کرده که آثار زیان‌بارتر از مواد سنتی دارد و یا با وضع ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۷۷/۷/۱۰ بسیاری از مردان به لحاظ عدم پرداخت مهریه زنان روانه زندان و حبس شده‌اند و در محیطی ناسالم قرار گرفته و بسیاری در محیط زندان آموزش بزهکاری را فراگرفته‌اند و تحت تاثیر فضا ناسالم زندان واقع شده‌اند که بستری برای ارتکاب جرم و انحراف و کجروی گردید تا اینکه در تاریخ ۹۳/۷/۱۵ قانونگذار با توجه به مسائل پیش آمده قانون را اصلاح کرد بنابراین از این موارد در قوانین بسیار ملاحظه و مشاهده می‌شود. حال که انقلاب اسلامی بنیانگذار شیوه نوینی در صحنه قانونگذاری بر مبنای آموزه‌های دینی پس از سالیان دراز حاکمیت سیستم حقوق عرفی گردید و قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان مهمترین دستاورد بیان می‌دارد کلیه قوانین و مقررات مدنی و جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، سیاسی و غیره باید براساس موازین اسلامی باشند؛ این اصل از قانون اساسی حقوق عرفی را به چالش می‌طلبد و در عصر حاکمیت نظام لائیک زمینه ساز تحولی بزرگ در عرصه قانونگذاری شده است که در عصر پیچیدگی روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بر آن شده تا قواعد و مقررات بر مبنای آموزه‌های دینی تدوین و تصویب کند. باید قبول کرد که این نظریه و ایده گرچه دست یافتنی است لیکن نیاز به تدبیر همه جانبه دارد و برای تدوین و تصویب قوانین بر مبنای آموزه‌های دینی نیاز به مطالعات و تحقیقات وسیع و بنیادی در باب قانونمندی و اصول حاکم بر فرایند تبدیل احکام شرعی به قانون هستیم بدون تردید بی‌اعتنایی به پیچیدگی‌های امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی در تدوین و تصویب قوانین نه تنها ما را از این آرزوی دیرینه دور می‌کند بلکه در نهایت باور به قابلیت و کارایی نظام دینی را برای اداره جامعه و بشریت در عصر حاضر از بین می‌برد و این نظریه را تایید می‌کند که دین در حوزه فردی کارایی دارد نه در حوزه اجتماعی. به تعبیری دیگر اگر ما در جهت تبیین و تنقیح مبانی و اصول حقوق اسلامی و نحوه تطبیق آموزه‌های دینی با نیازمندی‌ها جامعه کنونی تدبیر لازم را نداشته باشیم یقیناً در صحنه عمل با مشکلات عدیده‌ای از جمله تورم قوانین جزایی و تراکم زندانیان و آسیب‌ها روانی و اجتماعی آن‌ها و نابسامانی خانواده و مشکلات دیگر مواجه خواهیم شد. لذا در این راستا به لحاظ وجود چنین معایب و آسیب‌های در سالیان اخیر شاهد تغییرات و تحولات بسیاری در جهت انطباق هر چه بیشتر قوانین با نیازها اجتماعی و فرهنگی و حقوقی و اجرایی کشور هستیم و از جمله این مقررات و قوانین، قوانین کیفری (حدود- قصاص- دیات- تعزیرات) می‌باشند که به مقتضای ضرورت جامعه به تدریج تطور یافته و به شکلی متفاوت به صورت اولیه به اجرا در می‌آیند. بنابراین توجه و التفات به آثار کیفرها در جامعه‌ای که داعیه رویکرد اسلامی را در قوانین خود دارد خصوصاً آثار کیفرهای شرعی که ارتباط مستقیم با شرع را دارد ضرورتی انکارناپذیر است چه اینکه غفلت از این مهم نتیجه‌ای جز وهن به دین و مذهب را در پی نخواهد داشت در نتیجه از جمله علل موثر در نهادینه نمودن نهاد توبه توجه مقنن به آثار اجتماعی احکام شرعی است.

#### ۴- عوامل فرهنگی

فرهنگ در لغت از دو واژه‌ی «فر» به عنوان پیشوند بعلاوه‌ی «هنگ» از ریشه‌ی «هنگ» در زبان اوستایی به معنی کشیدن و فرهختن است. فرهنگ به معنی کشیدن، تعلیم و تربیت علم، دانش، ادب، عقل، خرد، تدبیر و چاره نیز آمده است. (فرهنگ <https://www.vajehyab.com/>) متفکران و اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی و فرهنگ، تعریف‌ها و نظرات متعددی را در باب معنی فرهنگ برشمرده‌اند. همه این نظرات در بسیاری از موارد از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند که شالوده کلی آنها بیانگر یک تعریف واحد است در میان تعاریف متعدد ارائه شده می‌توان تعریف ادوارد برنت تایلور، مردم‌شناس انگلیسی که در سال ۱۸۷۱ در کتاب فرهنگ ابتدایی آورده است را به عنوان تعریفی جامع و مانع دانست. در نظر وی «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل دانش‌ها، باورها، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد. (زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی/ ۱۷-۱۸) در نتیجه می‌توان گفت فرهنگ راهکارهای شایع موجه در یک جامعه است برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیر واقعی اعضای جامعه. (آفریندگی، تفکر جانبی و باور دینی (درآمدی به تولید علوم انسانی اسلامی/ ۶۷) به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند. از این رو غرض از علل و عوامل فرهنگی بررسی و تبیین ریشه‌های بستر ساز توجه به توبه که ریشه در آداب و رسوم و عقاید و باورهای دینی و غیردینی اعضای جامعه دارد. از این رو در این منظر در این مختصر نخست به باورهای اعتقادی و نظر علمای دینی و سپس به نقش باورهای عمومی و مردم و میزان آگاهی ایشان از مقررات اسلامی خواهیم پرداخت.

#### ۴-۱- آراء علمای دینی

به تعبیر دسته‌ای از حقوقدانان، دیدگاه، رویکرد و نگرش فقها و دانشمندان به مقوله حدود و اجرای آن در زمان غیبت می‌تواند در افکار عمومی و نهاد اجتماعی تأثیرگذار باشد. (اجرای مجازات‌های حدی در زمان غیبت/ ۴۰) لیکن به باور نگارندگان آراء علمای دینی و فقهاء به مقوله حدود و اجرای آن در زمان غیبت قطعاً در افکار عمومی و نهاد اجتماعی تأثیرگذار است؛ زیرا همواره افکار عمومی در جوامع سنتی چون کشورمان به نحو محسوس و انکارناپذیری متأثر از آراء اندیشمندان اسلامی بوده است چه اینکه در فرهنگ چنین جوامعی دین و باورها و نظرات دینی نقشی به مراتب پررنگتر از سایر مولفه‌های سازنده فرهنگ دارد. واکاوی مختصر در آراء و نظرات فقهای متقدم و معاصر گویای آن است که همگی به اتفاق بر ضرورت اجرای حدود در زمانی غیر از زمان معصوم نظر ندارند و اجرای حدود را مختص به زمان حضور معصوم در جامعه می‌دانند. در نتیجه بر اساس منابع فقهی موجود عده‌ای از فقها اجرای حدود را مختص نبی اکرم و امام معصوم می‌دانند و با اجرای آن در زمان غیبت موافق نیستند. زیرا باور دسته‌ی زیادی از شیعیان بر آن است که پس از پیامبر مجری احکام اسلامی ائمه اطهار هستند و اینکه در زمان غیبت امام چه تأثیری بر اجرای احکام دارد دو طیف نظری مشاهده می‌شود که هر کدام آثار خود را داشته است. علمای سنت‌گرا بدون توجه به مقتضیات زمان و مکان بدین استدلال که اقامه و اجرای حدود الهی واجب و لایتنجیر است اجرای حدود را لازم می‌دانند ولی بعضی دیگر مطرح کردند اگر چه بحث و بیان مسائل حدود در منابع فقهی وجود دارد لیکن زمینه اجرای آن در جامعه امروز مهیا نیست و با شرایط مقتضیات فعلی انطباق و سازگاری ندارد. این اختلاف بین اندیشمندان و صاحبان نظر و مقلدین و پیروان آن‌ها سرایت پیدا کرده و چالش و مانعی برای اجرای حدود در زمان غیبت است و از نظر پذیرش و عدم پذیرش آن در جامعه ایجاد مشکل می‌نماید. به هر روی هر چند قانون اجرای آن را پذیرفته است اما واقعیات نشان می‌دهد از منظر بسیاری از دانشمندان و حقوقدانان موضوع خوشایند نیست و منتقدان زیادی در این راستا قلم فرسایی کرده‌اند (نک؛ قواعد فقه بخش جزایی/ ۲۸۷) و دلایل متقن و قابل توجهی را ارائه نموده‌اند که این اختلافات تأثیرات منفی در اجتماع گذاشته و باعث تشتت آرا و از بین رفتن وحدت جامعه و سبب وهن احکام اسلامی گردیده است. بنابراین متأثر از این اختلافات و نتایج حاصل از و متأثر از سایر علل و عوامل که بدان خواهیم پرداخت مقنن به

ملاحظه واقعیات حاکم بر جامعه امروزی و با هدف پیشگیری از وهن به احکام اسلامی و منطبق بر روح حاکم بر احکام اسلامی که مبتنی بر هدف غایی «اصلاح و درمان و بازپذیری مجرم» است بر آن گردیده که به نظر علمای نوگرا متمایل شود و نهاد توبه را به شکل فعلی گسترش دهد تا امکان عدم اثبات و اجرای جرائم حدی بوجود آید و به تبع آن مناقشات و اختلافات به صحنه اجتماعی رسوخ نکنند و وحدت و یکپارچگی جامعه محفوظ گردد و در عین حال موجبات وهن احکام اسلامی فراهم نگردد.

#### ۴-۲- آگاهی حقوقی مردم از حدود و احکام

تصور بسیاری از حقوقدانان، جامعه‌شناسان و فیلسوفان بر آن است که قوانین تنها در جامعه‌ای کارکرد مناسب دارد که در آن اجتماع هماهنگی زیادی میان حقوق و آگاهی‌های حقوقی مردم وجود داشته باشد. زیرا هدف آرمانی یک جامعه مردم سالارانه آن است که تا حد امکان حقوق باید مطابق ایده‌ها و نگرش‌ها و باور و اعتقادات اکثریت شهروندان شکل گیرد خصوصاً آن که در مورد اخیر قوانین و نهاد اجرا موفقیت خود را از این هماهنگی با درک عمومی از عدالت به دست می‌آورد و قانون بدون ریشه داشتن در عمق و روح مردم و آداب و رسوم ایشان توفیقی نخواهد داشت و در صورتی که مردم اقبالی نسبت به قانون و حقوق نداشته باشند و فاصله‌ی بین این دو زیاد شود مردم از مقررات تمکین و پیروی نخواهند کرد. در نتیجه با انگاره‌ای فاقد مقبولیت اجتماعی مواجه خواهیم بود و ثمره‌ای جز متروک ماندن قانون نخواهد داشت. زیرا آن‌ها اعتقاد و احترام خود را نسبت به قانون از دست می‌دهند چون بسیار سخت است فردی از مقررات پیروی کند که آن را درک و تایید نمی‌کند و با هنجارهای رفتاری رایج و پذیرفته شده در تعارض است این گزاره الزاماً بدین معنا نیست که قانون و مقررات حقوقی باید شکل منفعل و مطابق آداب و رسوم و نگرش غیر منطبق به آموزه‌های دینی در ایران شکل بگیرد برعکس پذیرفته شده است که یکی از کارکردهای اساسی قانون و حقوق شکل گرفتن بر اساس آموزه و باورهای دینی در ایران می‌باشد (مقدمه علم و حقوق/۶۲) بنابراین نقش آفرینی مطلوب جرائم و مجازات‌های حدی مستلزم آن است که سطح آگاهی و دانش جامعه نسبت به آنها ارتقا پیدا کند با این پیش فرض که افکار عمومی اعتقاد به آموزه‌های دینی دارند ولی باید ابقاء شود که اجرای حدود الهی برتر از چهل روز باران نافه صبحگاهی است «حد یقام لله فی الارض خیر من مطرا اربعین صباحا» (وسائل الشیعه /۴۵۸) مبتنی بر چنین آرمانی است که معصوم (ع) فلسفه‌ی اجرای حدود را «پند و عبرت» و به عبارتی بازدارندگی فردی و عمومی دانسته است و می‌فرماید: «فجعل قطعها نکالا و عبره للخلق لئلا یبتغو اخذ الاموال من غیر حلها» (عیون الاخبار الرض/۱۴۷) حد سرقت برای پند و عبرت گرفتن مردم و برای جلوگیری از چپاول و کسب اموال مردم از راه حرام و نامشروع است. اما ناشناخته بودن نظام حقوقی و عدم آگاهی و پایین بودن سطح دانش عمومی از احکام بیم خرده‌گیری و عدم تمکین را ازدیاد می‌بخشد مضافاً ایراد بیگانگان بر عدم توانایی برای اداره جامعه متمدن و برآورده کردن نیازهای عصر ما که در حد وسیع در جامعه جهانی و داخلی انتشار و تبلیغ می‌گردد. این مسئله نیز بستری شد که سیاست کیفری را بر این داشت با حفظ اصل جرائم و مجازات‌های شرعی نهاد توبه را گسترش داده تا بتواند از اثبات و اجرای مجازات‌های حدی با رعایت و ضوابط و مقررات شرعی جلوگیری کند.

#### ۴-۳- توجه به باور تهذیب و تطهیر مجرم و تکفیر از جرم

از نظر مفهوم شناسی تکفیر از واژه کفر به معنای پرده و پوشش است و در اصطلاح عملی است که به وسیله آن زشتی گناه پوشانده می‌شود (مهوری «قصاص و زندگی»/۱۱۰ و تفسیر المیزان/ ۱۱۰/۶) و کسی که به دلیل ارتکاب جرم در این عالم مجازات شود، در عالم دیگر برای ارتکاب این عمل مجازات نخواهد شد. از دیدگاه اسلام، اعمال انسان تأثیر مستقیم بر روح و جان او دارد و همانگونه که عمل صالح موجب تعالی روحی می‌شود، اعمال بد نیز روح را آلوده می‌کند و همین آلودگی روحی است که پس از مرگ به صورت عذاب غیر قابل تحمل ظهور می‌کند و یکی از راه‌هایی که آلودگی‌های روحی حاصل از ارتکاب جرم و گناه را از بین می‌برد و انسان را از عذاب اخروی رهایی می‌بخشد، تحمل مجازات دنیوی است. بنابراین کسی که مجازات دنیوی جرم را تحمل می‌کند در آخرت برای ارتکاب آن عمل مجازات نخواهد شد. در حدیثی آمده است: «عن رجل اقيم عليه الحد في الدنيا يعاقب في الاخرة؟ فقال (ع) الله اكرم من ذلك. از امام

باقر (ع) درباره کسی که در دنیا بر او حد جاری می‌شود سوال کردم که آیا باز هم در آخرت عذاب می‌شود؟ امام فرمودند خداوند کریم‌تر از آن است (که دوباره او را در آخرت عذاب کند) پس اجرای حد در دنیا موجب خلاصی از عذاب آخرت می‌شود و مجرم را تطهیر می‌نماید. در این باب روایات و نصوص متعددی وارد شده است که همگی دلالت بر تطهیر و تهذیب مرتکب دارد (نک وسایل الشیعه / ۱۴/۲۸ / ح ۷ و ۶) البته هرگاه جرم ارتكابی حق الله باشد توبه‌ی واقعی برای رهایی از عذاب اخروی کافی بوده و نیازی به اجرای کیفر در این جهان نمی‌باشد به همین دلیل توبه از مسقطات کیفر دانسته شده لیکن در جرایم حق الناس لازم است که مجرم خود را در معرض مجازات قرار دهد و این نشانه‌ی توبه‌ی واقعی است. زیرا مجازات این جهانی، اگر به همراه توبه و بازگشت مجرم و اصلاح درونی او باشد، موجب رهایی او از عقوبت اخروی خواهد شد بنابراین، در جرایم حق الناس مجازات در تهذیب و تطهیر مجرم تأثیر دارد و موجب رهایی او از عقوبت اخروی خواهد شد، ولی در حق الله که غالب جرایم را شامل می‌شود، آنچه علت اصلی از بین رفتن آثار و تبعات اخروی جرم می‌شود، توبه واقعی است و اجرای مجازات واقعی یا در معرض آن قرار گرفتن، لازم نیست. از این رو منطق حاکم سزاگرا نمی‌باشد. بنابراین متأثر از علل و عوامل فوق میزان تأثیر کیفر در تادیب و اصلاح بزهکار نقشی فعال و پ. یا در تبیین سیاست مقنن داشته است. بنابراین زمانی که جرمی واقع شد باید مجازات به گونه‌ای باشد که مجرم را تادیب کند و تادیب هرگز به معنی انتقام نیست، بلکه همانگونه که برخی از فقهای عامه گفته‌اند: «انها تادیب استصلاح و زجر تخلف بحسب اختلاف الذنب» (الاحکام السلطانیة/ ۲۰۶) تادیب در اشخاص مختلف، اشکال گوناگونی پیدا می‌کند، برخی نیازمند تادیب شدیدتر و برخی نیازمند تادیب ضعیف‌تر هستند از این رو تعیین میزان تعزیر بر عهده قاضی نهاده شده است که هدف آن، بازداشتن است. از آیه ۱۳۰ اعراف می‌توان اصلاح بزهکار را در تشریح کیفر برداشت نمود در این آیه خداوند می‌فرماید که: و لقد اخذنا آل فرعون بالنسین و نقص من الثمرات لعلهم یذکرون. ما نزدیکان فرعون و قوم او را به خشکسالی و کمبود میوه‌ها گرفتار کردم شاید متذکر گردند (گزیده‌های از حقوق جزا در قرآن/ ۱۹۷) در مجموع مبتنی بر چنین باوری سیاست مقنن در کیفرگذاری خصوصاً در باب حدود مبتنی بر شدت تشریح و سختگیری در اثبات جرم و پرده پوشی و اولویت توبه مبتنی بر جنبه اصلاحی کیفر است.

### ۵- عوامل خانوادگی

برغم آنکه مقنن قانون اساسی اصل دهم را به خانواده اختصاص داده و خانواده را واحد بنیادی جامعه اسلامی خوانده است و قوانین متعددی در باب حمایت از خانواده و تبیین حقوق و تکالیف ناشی از زوجیت و خانواده به تصویب رسیده است لیکن نه در فقه و نه در قانون مدنی و نه در سایر قوانین مصوب تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است و ظاهراً مقنن این مفهوم را به قدری بدیهی دانسته که آن را بی نیاز از ارائه تعریف دانسته است. این واژه در لغت به معنای؛ خاندان، دودمان، مجموعه خویشاوندان و کوچک‌ترین واحد اجتماعی که شامل پدر، مادر، و فرزندان آنها؛ می‌باشد (خانواده/ <https://www.vajehyab.com>) \_ از اینرو با توجه به معنای لغوی و قواعد و مقررات قانونی خصوصاً قانون مدنی می‌توان گفت که؛ منظور از خانواده در مفهوم خاص همان مفهوم جامعه شناسانه از خانواده است که آن را کوچکترین واحد اجتماعی دانسته که، در شکل کامل آن مشتمل است بر شوهر، زن و فرزندان و به عبارتی گروهی است که اعضای آن، به دلیل قرابت بواسطه زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته‌اند و ریاست این گروه (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی) در شکل ایرانی آن را شوهر بر عهده دارد. این گروه ممکن است در کنار هم و در یک محل و یا جدا از هم و در محل‌های متعددی زندگی نمایند. البته هرگاه با توجه به ماده ۱۱۹۵ الی ۱۲۰۶ قانون مدنی معیار، الزام به انفاق باشد، آنگاه خانواده شامل شخص و زوجه و خویشان نسبی خط مستقیم می‌گردد و اقربای خط اطراف، از تعریف خارج می‌شوند. در هر حال خویشان نسبی و سببی از تعریف خارج‌اند. زیرا بین ایشان هیچ ضابطه و رابطه حقوقی وجود ندارد که آنان را به یکدیگر پیوند دهد و از آنان گروه واحدی بسازد. اما خانواده را در مفهوم عام و وسیع می‌توان کلیه بستگان سببی و نسبی دانست. به عبارتی خانواده به معنای عام خود، شامل شخص، خویشان نسبی و همسر وی است (نگاه کنید؛ مختصر حقوق خانواده/ ۱۲- ۱۱؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده/ ۱۴). از این رو در این مختصر در صد تبیین علل و عواملی

می‌باشیم که ریشه در نهاد خانواده دارد. اجرای مجازات اعم از حدی و غیره بر افراد، محیط زندگی و خانواده آن‌ها تاثیرگذار خواهد بود از این رو نظر به اینکه مجازات‌های بدنی همواره در طول زندگی شخص اثر خود را نمایان می‌نماید در نتیجه قادر است که بر فرایند رشد و جامعه‌پذیری افراد خانواده نیز اثرگذاری نماید و حتی در بعضی از مجازات‌های حدی مانند نفی بلد در محاربه کنترل پذیری افراد خانواده را با مشکل مواجه نماید. بنابراین مجازات‌های مذکور علاوه بر آنکه واجد آثار عمومی عدم حضور والدین تاثیر روانی و اجتماعی مخرب بر خانواده و اطرافیان می‌باشد برای سایر اعضای خانواده نیز علاوه بر مرتکب واجد آثار مخرب روحی و روانی خواهد بود. امروزه مطالعات و بررسی‌ها حاکی از آن است افرادی که مجازات‌های حدی (شلاق در ملاء عام - قطع ید و پا - نفی بلد - حبس ابد) را تحمل می‌کنند خانواده و اطرافیان آن‌ها دچار صدمات روحی و روانی گردیده و رفتارهای تهاجمی، گوشه‌گیری، افسردگی و رفتار بزهکارانه مشکلات عدم تمرکز از خود را بروز می‌دهند. خصوصاً آن که قطع رابطه و ارتباط والدین در مجازات‌های حدی «نفی بلد و ارتداد» که منجر به حبس زن می‌گردد و ملاقات‌های ماهیانه یا هفتگی و عدم امکانات برای تردد یا امتناع افراد از حضور فرزندان در زندان جهت ملاقات قطع ارتباط را تشدید می‌نماید؛ به نحوی که می‌توان آثار حاصل از مجازات حدی را در اینگونه موارد مشابه آثار فقر و طلاق دانست که اطرافیان را به ورطه بزهکاری زودرس و پرخاشگری بکشاند. از سویی خوردن برچسب مجازات حدی بر فرد رابطه اجتماعی خانواده و اطرافیان را با دیگران تحت تاثیر واقع می‌سازد و سبب انزوای آن‌ها می‌گردد و آثار منفی و فشار روانی برچسب مذکور به اندازه‌ای است که آینده فرزندان و خانواده را مبهم ساخته و موجب کاهش حضور آن‌ها در گروه‌ها و معاشرت‌های اجتماعی می‌گردد و اعتماد به نفس آنها را تنزل می‌بخشد و آن‌ها را به سمت ناهنجاری‌ها اجتماعی سوق داده و در معرض خطر گرایش به بزهکاری قرار می‌دهد؛ خصوصاً آسیب‌های عاطفی و روانی می‌تواند مخرب‌تر از سایر جهات باشد زیرا اساس پیوند خانوادگی فرزندان تعلق خاطر آن‌ها به والدین و دوست داشته شدن آن‌ها است لذا اجرای مجازات خصوصاً از نوع مجازات‌های حدی آن که دارای آثار ملموس خارجی می‌باشند سبب نابسامانی در بنیان خانواده شده و فرزندان را در معرض آسیب قرار می‌دهد و ضرورت ایجاب می‌کند به طریق شایسته و حتی المقدور از اثبات و اجرای این جرائم جلوگیری شود.

##### ۵- اثرات منفی ناشی از اجرای کیفر بر سلامت روانی جامعه

با نگاهی گذرا در سیر تحولات جوامع انسانی و اجتماعی می‌توان دریافت که انسان، حیات اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی جدا و قابل تفکیک از یک دیگر نبوده‌اند هر چند آسیب‌های اجتماعی مفهومی نوظهور دارد و پس از انقلاب صنعتی مورد استفاده قرار گرفته است اما آسیب‌ها مذکور را می‌توان در مجازات‌ها و اجرای آن مشاهده کرد؛ خصوصاً مجازات‌های حدی که از جمله کیفرهای تریبی و تزدیلی است و اجرای آن‌ها تناسبی با برنامه‌ها اصلاحی بزهکاران ندارد. زیرا اصلاح به معنی توانا ساختن و اعاده شرایط جسمانی و روحی بزهکار و سایر افراد جامعه است حال آنکه کیفرهای حدی تحقیرکننده و زایل‌کننده توان و قدرت جسمانی و روحی افراد است و بازگشت ناپذیر بوده و در صورت خطا و اشتباه ترمیم و جبران آن غیرممکن است؛ خاصه آنکه آثار سوء ناشی از جنبه تریبی اجرای کیفرهای بدنی، چون شلاق، رجم و اعدام در ملاء عام قطعاً به مراتب از جنبه بازدارندگی عمومی آن بیشتر است و فشار ناشی از رعب و وحشت حاصله در اثر اجرای این کیفرها در سطح اجتماع دارای آثار مخرب انکارناپذیری است خاصه آن که امروزه در اثر گسترش ابزارهای ارتباط جمعی و سرعت انتقال اطلاعات و عمومیت و فراگیری آن ناشی از پدیده اینترنت بیش از پیش بر گسترش و فراگیری آثار مخرب روانی که بر سلامت جامعه دارد اثرگذار است. مضافاً این مجازات‌ها برچسب زنی دائمی را به همراه دارد که مادام العمر با فرد همراه خواهد بود (از قبیل قطع دست، پا و شلاق در ملاء عام) که سبب می‌گردد بزهکار بین مردم اشتهار یافته و حیثیت اجتماعی وی از دست رفته و زبانزد خاص و عام گردد و هنگامی که فرد خود را در ورطه سقوط در اجتماع مشاهده می‌نماید ارتکاب جرائم بعدی و تکرار جرم در روحیه و افکار او تاثیر نخواهد داشت در حالی که زمانی عدم ارتکاب جرم اهمیت دارد که ترس و خوف از صدمه دیدن شرافت و اعتبار اجتماعی در بین باشد اکنون که آن ترس و خوف با اجرای مجازات کاهش یافته و تحقیر در جامعه نزد دوستان و خانواده محقق شده و مرتکب بین خود و اجتماع



پیوندی مشاهده نمی‌کند و گسست اجتماعی و سرزنش اجتماعی را نزد خود ملاحظه می‌نماید و همچنین جامعه روی خوش به وی نشان نمی‌دهد و از او استقبال نمی‌نماید و تعامل و همکاری خود را با او قطع می‌کند و مزایا و حقوق خود را از او دریغ می‌نماید این قضایا تنفر و حس انتقام جویی را در فرد ازدیاد می‌بخشد تا در فرصت مناسب مرتکب بزهکاری گردد با توصیف فوق و حصول نتایجی که در اثر اجرای مجازات‌های حدی برای فرد به وجود می‌آید جنبه بازدارندگی مجازات‌های حدی مورد شک و تردید واقع می‌سازد چون تفاوت‌های فاحش بین افکار و عادات و عواطف طبقات مختلف جامعه مورد لحاظ قرار نگرفته است و مضافاً، گاه جامعه این نوع مجرمین را معلول وقایع و شرایط اجتماعی می‌دانند و حس ترحم و شفقت نسبت به آنها برانگیخته می‌شود جنبه بازدارندگی مخدوش می‌سازد. باید توجه داشت در عصر حاضر دانشمندان علوم اجتماعی از جمله جرم‌شناسی روانشناسی جامعه‌شناسی پدیده بزهکاری را یک رفتار انسانی دانسته که معلول عواملی است که ریشه در شخصیت روحی و روانی و قوای جسمانی و محیط اجتماعی و خانوادگی فرد دارد بنابراین واکنش نسبت به مرتکبین جرائم باید با توجه به مجموعه عوامل مانند فرصت‌های مجرمانه، آستانه مقاومت، استعداد جنایی و قابلیت تأثیر کیفر اعمال شود که در جرائم حدی به لحاظ وجود شرایط خاص به این مولفه‌ها توجه نمی‌شود. اگر آمار جنایی دقیق در زمینه نرخ بزهکاری در ایران ارائه شود متوجه خواهیم شد سیاست کیفری در این رابطه موفق نبوده و چون علوم اجتماعی فوق الذکر که به دنبال ایجاد زمینه برای اصلاح و بازگشت بزهکاران به جامعه هستند در تعارض با جرائم حدی بوده و مغایرت آشکار و عمیق بین نقش ارعابی کیفرهای حدی و اصلاحی را نشان می‌دهد و با اهداف اصلاحی مد نظر دانشمندان علوم فوق الذکر قابل جمع نمی‌باشد. از طرفی دیگر میزان اخافه و ترس حاصل از اجرای مجازات‌های حدی و تأثیر یا بازدارندگی آن‌ها بر افراد مختلف معیار و ملاک مشخص و دقیق نداشته و نمی‌توانیم با قاطعیت ادعا کنیم ترس از اجرای مجازات‌های حدی موجب پیشگیری از بزهکاری می‌گردد و به عنوان نمونه در مواد مخدر تحت عنوان مفسد فی‌الارض مجازات اعدام درباره بسیاری اجرا شد لیکن شاهد رشد روزافزون مواد مخدر و قاچاق ترانزیت آن هستیم و علت این است که شخصیت انسان به قدری پیچیده است که نمی‌توان به صراحت تشخیص داد آیا ارتکاب جرائم حدی یا اجتناب از آن محصول مستقیم ترس و خوف احتمالی از اجرای حد می‌باشد یا خیر به علاوه در یک جامعه با گرایش‌های مختلف و تفکرات و اندیشه‌های متفاوت و موقعیت‌های فردی و اجتماعی گوناگون بر جنبه رعب‌انگیزی مجازات‌های حدی ایراد وارد است چون به تمامی افراد و اقشار جامعه از بزهکاران و غیره آن‌ها به یک دید نگریسته می‌شود یعنی در چنین جامعه‌ای همه افراد جامعه از طریق تهدید و رعب و آوار به اطاعت از قوانین می‌شوند که خود می‌تواند سبب حس بی‌اعتمادی و ناامنی و عدم اطمینان نسبت به عملکرد دستگاه عدالت کیفری گردد و از طرفی امکان دارد موجب ترویج روحیه خشونت و پرخاشگری در جامعه شود و افراد مستعد را به سمت ارتکاب جرم و بروز رفتارها خشن و ستیزه جویانه سوق دهد.

### ۶- عوامل اقتصادی

سلامتی واژه‌ای است که نزد مردم مشهور و آشنا می‌باشد ولی تعریف آن ساده نیست. واژه‌ی heal به معنای کامل، تمامیت صحت و آسایش و برگرفته از واژه انگلیسی health می‌باشد. لغتنامه دانشگاهی و بستر سلامتی را وضع خوب و عالی بدن، اندیشه و روح و به ویژه برکنار بودن از درد یا بیماری جسمی تعریف کرده است. در علم طب از واژه به جای homostais به جای health استفاده می‌شود به معنای توانایی سازمان یافته بدن در جوابگویی موثر به فشارها و بازگشت به وضعیت فعال و در فرهنگ آکسفورد وضع عالی جسم یا روح و حالتی است که اعمال بدن به موقع و به گونه موثر انجام شود یکی از اموری که همیشه مورد توجه و نظر واقع گردیده سلامتی روانی و جسمانی انسان است که در علوم مختلف از آن بحث و گفتگو شده است. مجازات‌های حدی در راستای جنبش اصلاح گرایانه عصر روشن فکری به نام شناسایی حقوق بشر به عنوان مجازات‌های بیرحمانه و غیره انسانی شناخته شده است (حقوق بشر و راهکارهای اجرایی آن / ۷۸) چون سبب ناتوانی و از بین رفتن سلامت جسمانی و روانی انسان می‌گردد نقصان جسمانی قابلیت تأثیر در بعد اقتصادی را داشته بنابراین اجرای حدود موجب نقص جسمانی و نیز اشتها به سوءسابقه

می‌گردد و جنبه شغلی و اقتصادی زندگی که بخش از وجود انسان و خانواده وی می‌باشد را به مخاطری می‌اندازد هنگامی که کار به عنوان هدف برای امرار معاش و تنظیم کردن اقتصاد خانواده مد نظر قرار می‌گیرد توانایی و سلامت جسمانی نقش آفرین است. سلامت جسمانی به طور معمول در رابطه با بهبود وضع اقتصادی جامعه و فرد و دستیابی به این هدف یکی حقیقت واقعی قابل توجه است و در جهان امروز امنیت جامعه وابسته و رابطه با بعد اقتصادی دارد. یک اقتصاد قوی در جامعه و خانواده نشان از قدرت ملی می‌نماید. و می‌تواند سبب رشد و تکامل و شکوفایی و نشاط در جامعه و خانواده گردد و عدم توانایی اقتصادی و مالی در اداره زندگی می‌تواند فساد و انحرافات فردی و اجتماعی از قبیل سرقت، قتل، اختلاس و... به دنبال داشته باشد. یافته‌ها و مطالعات نشان می‌دهد که بین وضع اقتصادی افراد و وقوع جرائم و سایر آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد به طوری که با از دست دادن موقعیت شغلی یا عدم انجام فعالیت اقتصادی سطح درآمد پایین آمده و سبب افزایش وقوع جرم و انحراف گردیده و براین اساس معضل نقصان سلامت جسمی و روحی که در اثر اجرای مجازات‌های حدی در انسان‌ها حاصل می‌گردد قابلیت ایجاد فقر و ناتوانی اقتصادی و عدم تمکن مالی و عدم اعتماد جامعه و به کارگیری و تعامل و همکاری را دارد که خود می‌تواند منشا آسیب‌های اجتماعی دیگر گردد. به عقیده جامعه‌شناسان انحرافات اجتماعی از قبیل سرقت، قتل، فحشا، فساد اخلاقی، تن‌فروشی از مسائل مهمی به نام فقر که نگوئش شده است برمی‌خیزد انسان همیشه با احساس نیاز در پی بر طرف کردن آن بوده حال اگر به علل نقصان جسمانی زمینه تامین خواسته و نیازهایش را فراهم نیند دست به رفتارهای انحرافی و مخاطره‌آمیز بزند. هنگامی فرد با مشکلات زیادی از قبیل نداشتن معاش روزانه دست و پنجه نرم کند راهی غیر از جرم انحراف کجروی برایش باقی نمی‌ماند برخی از پژوهش‌ها موید این موضوع است و تایید می‌کنند فقر و ناتوانی عامل مستقیم کجروی می‌باشد و بین آن‌ها همبستگی ملاحظه می‌شود و از برخی پژوهش‌ها در رابطه با نرخ جرائم علیه اموال در سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ در بین خانواده‌های که درآمد آن‌ها از میانگین جامعه پایین‌تر بوده است از درصد بالاتری برخوردار است این نتیجه به دست می‌آید که فقر با انحرافات و جرائم رابطه مستقیم دارد (اسفندیاری/ «فقر و انحرافات اجتماعی، زمینه یا انگیزه» ۱۲/۱) در نهایت باید پذیرفت اولین تصویری که انسان از مخاطب خود پیدا می‌کند خواهی نخواهی جایگاه اجتماعی و گروهی که فرد به آن تعلق دارد را در اختیارش می‌گذارد این اطلاعات اولیه باعث می‌شود وی بتواند مخاطبش را در طبقه‌بندی خاص قرار دهد بنابراین شخصی که برچسب مجازات حدی را در پیکره خود دارد از نظر جامعه در طبقه بزهکاران قرار می‌گیرد که مانعی برای ارتباط و تعامل و همکاری او می‌گردد در نتیجه بیکاری و فقر و اعتیاد و سایر آسیب‌ها را موجب می‌شود.

#### ۷- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

می‌توان گفت از جمله دلایل بسیار موثر و کلیدی اثرگذار در نهادینه شدن توبه به عنوان یکی از مسقطات کیفر با قلمرو و گستردگی بسیار وسیع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قوانین پیش از این توجه و التفات ویژه مقنن به بسترهای اجتماعی و آثار سوء ناشی از اجرای کیفرهای بدنی بر سلامت جامعه بوده است به نحوی که سبب گشته نظام عدالت کیفری در نهاد فوق الذکر براساس مقررات شرعی به عنوان مولفه‌ای از آموزه‌های دینی جهت عدم اثبات و اجرای مجازات‌های سنگین شرعی استفاده بنماید هر چند نباید از این تحول خرسند شد چرا که به دشواری می‌توان از نوآوری در این زمینه سخن گفت زیرا اقدامات و تحولات مذکور از ابتدای انقلاب قابل استخراج از منابع فقهی بوده است لیکن قانونگذار و نظام کیفری به این زمینه توجهی مبذول نداشت و انتظار کشید تا بستر فوق خود را کاملاً هویدا ساخته و آثار سوء و مخرب خود را بر سلامت روانی جامعه کاملاً آشکار سازد به نحوی که بسیاری از افراد به جای تقبیح رفتار مجرمانه با مرتکب و خانواده وی همزاد پنداری نمایند. در عین حال که قانون جدید پس از مطالعات و سپری شدن دو دهه از قانون سال ۷۰ به تصویب رسید این انتظار وجود داشت نارسایی‌ها در این نهاد به حداقل برسد لکن شاهد هستیم نهاد مذکور دارای معایب و اشکالات متعدد بوده که قانون نسبت به آن ساکت است. از جمله نحوه احراز توبه و عدم اجرای توبه در تعزیرات منصوص و غیره که قانونگذار می‌توانست نسبت به رفع این مشکلات اهتمام ورزد تا جامعه از ناحیه اجرای مجازات‌های حدی کمتر تاثیر

پذیرد تا جایی که این عدم‌اهتمام در تبیین مقررات این تصور را بر ذهن هر اندیشمندی متجلی می‌سازد که گویی مقنن تنها سعی در دخالت دادن انگاره‌های شرعی و انعکاس آن در قانون اهتمام داشته است و در این رهگذر وقتی به بسترهای موجود و واقعیات اجتماعی نداشته است.

#### فهرست منابع

۱. Ebrahimpour Layalestani, Hussein, Excerpts of Penal Law in the Quran, Khorsandi Publishing, First Edition, ۱۳۹۱۲. Ibn Faris, Ahmad Zakaria, Mo'ajm Moghibis al-Logha, Center for the Publication of Islamic Sciences, Qom, ۱۴۰۴,
۲. Esfandiari-Ismail, "Poverty and social deviations, background or motivation" Women's Quarterly Journal No. ۲۱, ۱۳۸۹
۳. Hor amali-Mohammad Ibn Hassan, Waseleh al-Shi'a Volume ۱۸ The first part of the Qom Basic Elementary Study of the Al-Al-Bait Al-Aliabat Institute in ۱۴۱۴ AD,
۴. Khatib Kermani, Hassan, Maleshl-e-Laghah, by the efforts of Seyyed Mohammad Dehbar Jaaghi and Gholam Hossein Yousefi, Center for Scientific and Cultural Examinations, ۱۹۸۲,
۵. Razavi Fard Behzad "Execution of Extreme Penalties in the Time of the Absence" Legal Journal of Justice No. ۵۵، ۱۳۸۵
۶. Rajaei, Hamid, Creation, Side Thought and Religious Belief (Income to the Production of Islamic Humanities, First Edition of Isfahan: My City Publishing, ۲۰۱۰).
۷. Roholamini, Mahmoud; The field of compilation of cultural science in cultural anthropology and anthropology; Attar, Bey
۸. Sha'rani, Abolhassan al-Mawardi, al-Ahakam al-Soltanieh, Tooba book store, Islamiyah, second edition, second edition, ۱۳۹۸ e. Ah
۹. Sheikh Sadouq, Ayoun al-Akhbar al-Reza Volume ۲ Institute for Public Relations, Beirut, ۱۴۰۴ AH
۱۰. Katouzian, -Nasser, Introduction to Science and Law, Publishing Company ۱۳۹۵
۱۱. Katouzian, Nasser, Basic Elementary Family Law, Tehran, ۱۳۸۸
۱۲. Safai, Hossein and Asadollah Emami, Brief Family Law, Tehran, ۲۰۰۴,
۱۳. Tabatabai, Mohammad Hussein, Taktsir al-Mizan, Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, Al-Mizan Fei Tafsir al-Quran, Beirut, Lebanon, Al-Alyma Institute, ۱۴۲۲ AD. Translation by Mousavi Hamedani, Seyyed Mohammad Baqir, J ۱, Qom, Office of Publication of Community Teachers.
۱۴. Al-Qaradawi, Joseph, Tobah, Translation by Ahmad Nemati, Tehran, Ehsan, ۲۰۰۱
۱۵. Marashi, Seyyed Mohammad Hassan, New Perspectives on Islamic Penal Law, Collection of Articles, ۱, Tehran, Volume ۲, ۱۳۷۶.
۱۶. Makaram Shirazi, Naser, Anvar Al-Fahaha, Qom, Ali Ibn Abi Talib School, Q ۱, ۱۴۱۸ AH.
۱۷. Mohvori Mohammad Hussein, Qesas and zendgi, Journal of Book Review, No. ۱۵ and ۱۴, Spring and Summer ۲۰۰۰.
۱۸. Mohaghegh Damad-Seyyed Mostafa, Rules of Criminal Jurisprudence, Islamic News Science Center, Second Edition, ۲۰۰۱
۱۹. Mehrpour-Hussein, Human Rights and its Implementing Strategies. First Printing Information
۲۰. Naraghi, Ahmadbn Mohammad Mehdi, Rasile and Issa, Q۲, Qom, Congress of Naraqin Malhwedi and Malahmad, ۱۴۲۲, AH.